عملیات روانی در اسلام؛ مطالعه موردی تاکتیک‌های عملیات روانی مخالفان

و نحوه برخورد امام علی(ع) با آن

دکتر اکبر غفوری[[1]](#footnote-1) یحیی جعفری ندوشن[[2]](#footnote-2)

# چکیده

یکی از موضوعات مهم در عصر حاضر توجه به تغییر رویکرد نظام سلطه، نسبت به ایران از حالت سخت‌افزاری به نرم‌افزاری و اجرای عملیات روانی است. از سوی دیگر، تلاش نظام مقدس جمهوری اسلامی بر آن است که از حکومت علوی الگوبرداری ‌کند. از این‌رو، ضروری به‌نظر می‌رسد مقوله عملیات روانی و شیوه برخورد حضرت علی(ع) به دقت مورد بررسی قرار گیرد؛ به‌خصوص که عصر حاضر شباهتی زیاد با دوران آن امام بزرگوار دارد. در حال حاضر نیز می‌توان مصادیقی از شخصیت‌های عصر حضرت را مشاهده کرد که شناختشان مستلزم بهره‌مندی از بصیرت علوی است و قرآن‌های بر نیزه‌ای در برابر جبهة حق صف کشیده‌اند که جز ولایت‌مداران، ناحق بودنشان را کسی نمی‌تواند تشخیص دهد. هدف این مقاله بررسی ترفندهای دشمن در عملیات روانی در مقابل امام علی(ع) و راه‌های مقابلة حضرت با آنهاست. یافته‌های پژوهش بیان‌گر این است که دشمن در عصر آن حضرت با بهره‌گیری از تاکتیک‌های عملیات روانی از جمله فریب، تخدیر و تطمیع سعی در پراکنده ساختن یاران امام(ع) داشت و البته تا حد زیادی هم موفق بود. همچنین امیرالمؤمنین(ع) در مقابل آنان راهکارهایی چون تشجیع، ارعاب و افشاگری و از همه مهم‌تر بصیرت‌افزایی را به‌کار گرفت و با سپاه اندک ولی مخلص خود، در مقابل لشکر عظیم دشمن مقاومت کرد. روش پژوهش در این مقاله کتابخانه‌ای و از نوع توصیفی-تحلیلی است.

# واژگان کلیدی: **عملیات روانی، جنگ نرم، امام علی(ع)، دشمن‌شناسی.**

**1- مقدمه**

انقلاب اسلامی ایران به‌‌مثابه قدرتی نوظهور در منطقه و جهان، با مبنای اسلامی و حکومتی مبتنی بر ولایت‌مداری، همواره آماج تهاجم دشمنان بوده است. دشمن از هر فرصت و اقدامی اعم از جنگ سخت مانند تهاجم نظامی، جنگ نیمه‌سخت همچون ترور و انفجار و جنگ نرم برای ضربه زدن به انقلاب بهره‌ گرفته‌ است.

نظام سلطه در عملیات روانی و جنگ نرم آرام و بی‌صدا مشغول سست کردن پایه‌های انقلاب است و با بهره‌گیری از فناوری‌های جدید پا به حریم خصوصی و شخصی می‌گذارد و در غفلتِ برخی افراد و گروه‌ها، مبانی اندیشه و گرایش‌های روحی و روانی جامعه را هدف قرار می‌دهد، همچنین با زیرکی و بهره‌گیری از تاکتیک‌های جنگ نرم، فرهنگ، دین و اصالت مردمان را غارت می‌کند. در بازی رایانه‌ایِ "ژنرال‌ها" اسلام‌ستیزی، در بازی "جهنم خلیج فارس" که به بازی "یا مهدی" معروف است، تنفر از دو حقیقت بزرگ اسلامی و شیعی یعنی "الله‌اکبر" و "یا مهدی" را در قلب کودکانمان می‌کارد. در بازی "کلش آف کلنز" نابودی مقدسات و در بازی "جی.تی.اِی" آلودگی جنسی را آموزش می‌دهد (کمالی، 1396، ص8) و گروهی دیگر را با شبهه‌های بی‌اساس، نسلی را با تجدد و روشنفکری و عموم جامعه را با بی‌اعتمادی به نظام و مسئولان هدف حمله قرار می‌دهد. این‌همه تنها گوشه‌ای از ترفندهای دشمن است. پس دشمن‌شناسی یکی از روش‌های ضروری و تعیین‌کننده برای افراد جامعه به‌شمار می‌رود و همان‌طور که در بیان رهبر بزرگوار انقلاب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای(مدظله‌العالی) آمده است: «باید دشمن را در هر لباسی که هست شناسایی کرد» (بیانات امام خامنه‌ای، 5 آذر 1376) و این شناخت با سعادت و کامیابی رابطه‌ای مستقیم دارد؛ چرا که دشمن، مخالف رشد و کمال انسان است و برای جلوگیری از آن به هر ترفندی متوسل می‌شود.

مولی‌الموحدین علی(ع) بیش از هر سالک آگاه و دلسوزی ضرورت این مهم را توصیه فرموده‌ است و با عبارت زیبای "فَما عَدَا مِمّا بَدَا" (نهج‌البلاغه، خطبه31) خطاب به زبیر، گرگ‌های در لباس برّه را معرفی می‌‌کند. براین اساس، شناخت دشمن و آشنایی با شیوه‌های دشمنی او ضرورت دارد؛ چراکه جنگ با دشمنی که رو درروست از دشمنی که در لباس دوست ظاهر می‌شود و از پشت خنجر می‌زند، بسیار راحت‌تر است. در بسیاری از مواقع، دشمن به‌تدریج نفوذ کرده، انسان را غافل‌گیر می‌کند. جنگ نرم غافل‌گیرکننده‌ترین و اثرگذارترین ترفند است و راهکارهای مختلف آن بر قدرت تخریبش می‌افزاید.

با توجه به اینکه جنگ نرم و عملیات روانی نسبت به جنگ سخت، کم‌هزینه‌تر و تأثیر آن بر فرهنگ عمومی عمیق‌تر است، رویکرد قدرت‌های مستکبر دنیا به سرمایه‌گذاری بر آنها متمرکز است؛ از این‌رو، پژوهش حاضر می‌تواند با شناساییِ آسیب‌های این نوع جنگ از پیامدهای منفی آن بکاهد.

موضوع این مقاله از یک‌سو با توجه به مذهب بیشتر جامعه ایران و اهمیت آشنایی با سخنان مولای متّقیان ضرورت پیدا می‌کند و از سوی دیگر بحث دشمن‌شناسی، جنگ نرم و عملیات روانی که در بیانات رهبر معظم انقلاب همواره بر آن تأکید می‌شود از جمله مباحثی به‌شمار می‌روند که همة افراد جامعه در هر لباس و طبقه‌ای و در هر سنی در معرض مواجهه با آن قرار دارند. بنابراین برای گریز از آسیب یا شکست در این جنگِ نابرابر ضرورت دارد که دشمن و ترفندهای آن در حوزه‌های یادشده شناخته شود.

به نظر مي‌رسد مفاهیمی همچون عمليات رواني، جنگ رواني، قدرت نرم، جنگ سفيد و ... پیشینه‌ای به‌اندازه حيات بشري دارد. در این باره، مقالات و کتاب‌های بسیاری نگاشته شده است؛ با وجود این، در پژوهش‌های یادشده کمتر به موضوع عملیات روانی در دوران امام علی‌(ع) پرداخته شده است. مقاله حاضر می‌کوشد تا با بررسی این موضوع سلسله مباحث یادشده را گسترش دهد.

## 2- تعریف مفاهیم پایه

**1-2. جنگ در لغت**

واژة‌ عربی حرب، به‌طورتقریبی معنایی برابر با مفهوم جنگ در زبان فارسی دارد و جمع آن حروب است. «وَقَعت بینَهم حربٌ؛ میان آنها جنگ افتاد». این واژه مؤنث است و گاهی مذکر نیز به‌کار برده می‌شود: «رجلٌ حَربٌ؛ مرد دلیر جنگجو»، «الحَرب الاَهلیّه؛ جنگ داخلی که میان مردم یک کشور پدید می‌آید» (النمل، 1442ه.ق، ص235).

نویسندة‌ لسان‌العرب می‌گوید: «الحربُ نقیض السّلم؛ جنگ ناقض سلامتی است» (ابن‌منظور، 1414ه.ق، ص30). در حدیثی از مولای متقیان آمده است: «فابعث علیهم رجلَاً مِحرَباً؛ مرد دلیری را به‌ سوی آنان روانه کن» (نهج‌البلاغه، خطبه 134).

### 2-2. جنگ در اصطلاح

جنگ، قدیمی‌ترین و ابتدایی‌ترین وسیلة حل اختلاف جوامع بشری بوده است که البته در عصر شکوفایی تمدن بشر نیز مهم‌ترین و رایج‌ترین وسیلة حل اختلاف ملت‌ها به‌شمار می‌رود. دربارة جنگ نیز همانند مفاهیم دیگر، تعریف‌های مختلفی عرضه‌ شده است که هر یک بیان‌گر نگرشی خاص به جنگ است. تعریف مادة جنگ، برخورد مسلحانه بین دو یا چند کشور است. جنگ به معنای آزمودن نیرو با به‌کارگیری اسلحه بین ملت‌ها - جنگ با نیروهای خارجی- یا گروه‌های رقیب در داخل یک کشور - جنگ داخلی- نیز تعریف‌ شده است (مدیریت مطالعات و برنامه‌ریزی آموزشی، 1373، ص57).

**3-2. عملیات روانی**

یکی از شیوه‌های جنگی، جنگ نرم است که عملیات روانی شاخه‌ای از آن به‌شمار می‌آید. در عملیات روانی، به جای ابزارهای جنگی متعارف چون توپ و تانک، از ابزارهای فرهنگی تأثیرگذار بر فکر و اندیشه و عواطف و احساسات انسانی بهره گرفته می‌شود.

با نگاهی به جریان‌شناسی عملیات روانی می‌توان گفت که این شیوه، از دیرباز مورد بهره‌برداری قرار گرفته و همواره از سوی انسان‌ها در جنگ‌ها به‌مثابه یک سازوکار مؤثر مورد توجه بوده است. تنها تفاوتی که می‌توان در میان عملیات روانی در اعصار گذشته و دوران معاصر یافت، تفاوت در ابزارها و روش‌هاست و اصولاً بهره‌گیری از هر نوع ابزاری در عملیات روانی بر این پایه و محور قرار می‌گیرد که بر اندیشه و احساسات مخاطب تأثیر گذاشته، او را مرعوب خود سازد تا بی‌آنکه واکنشی از خود نشان دهد، تسلیم دشمن شده یا در مسیر خواسته‌های او گام بردارد.

### 4-2. تعریف عملیات روانی

عملیات روانی عبارت است از استفاده دقیق و طراحی شده از تبلیغات و سایر امکانات به منظور تأثیرگذاری بر افکار، احساسات، تمایلات و رفتار گروه‌های دوست، دشمن و بی‌طرف، برای دست‌یابی به اهداف ملی (ذوالفقاری، 1391، ص11).

### 5-2. چرایی عملیات روانی

امام علی(ع) در آغاز حکومت در سال 36 هجری اشخاص برجسته و صالحی را برای حکومت در سرزمین بزرگ اسلامی تعیین و فرمانداران پیشین از جمله معاویه را عزل کرد. معاویه که آرزوی دیرینه‌اش خلافت بود و با زیرکی، بذل و بخشش و تبلیغات گسترده توانسته بود عنایت خلیفة وقت را جلب کند، این عزل را بر خود گران دید و از همان ابتدا با عَلَم کردن پیراهن خونین عثمان، که تنها فرصت تاریخی بود که معاویه می‌توانست از آن به‌مثابه حربة برنده بر ضد امام علی(ع) استفاده کند، جنگ با حضرت را آغاز کرد (سبحانی، 1374، ص376).

**6-2. ابعاد عملیات روانی**

عملیات روانی همیشه دارای دو بُعد یا دو حیطه است؛ یك بُعد برای تأثیرگذاری بر نیروهای خودی یا به‌اصطلاح دوست به‌منظور اقناع در تقابل نظامی یا روانی است و بُعد دیگر برای تأثیرگذاری بر نیروهای دشمن با هدف تضعیف روحیه یا تأثیرگذاری بر عقاید، احساسات و اعمال آنهاست‏. در زمان امام علی(ع) دشمن برای تأثیرگذاری بر عقاید و احساسات مسلمانان از ترفندهایی مانند فریب، تخدیر، تطمیع و تمسخر بهره می‌گرفت. حضرت برای مقابله با این ترفندها، از راهکارهایی همچون افشاگری و ارعاب بهره برد و برای اقناع نیروهای خودی در تقابل با دشمن از تشجیع و تحریک و آگاهی و بصیرت‌بخشی استفاده کرد.

#### 3- تاکتیک‌های دشمن در عملیات روانی

دشمن در عملیات روانی از چهار تاکتیک اصلی بهره‌ می‌برد:

##### 1-4. فریب

یکی از راه‌های تأثیرگذاری بر مخاطبان، دادن اطلاعات دروغین و جهت‌دار یا تصویر وارونه از وقایع است که این امر اغلب با ارائه و نمایش قسمت‌هایی از واقعیت یا برگزیده‌ای از آنها تحقق می‌یابد. البته باید توجه داشت که این اطلاعات دروغین و فریبکارانه باید از طرفی قانع‌کننده و مدلّل و از سوی دیگر در اختفا و پوشش ارائه شود که مخاطبان - فریب‌خوردندگان-، به دشواری قادر به بازشناسی حقایق گردند.

از نمونه‌های تاریخی در صدر اسلام می‌توان به سر نیزه کردن قرآن‌ها در جنگ صفین با خدعه عمرو بن عاص اشاره کرد که از موارد موفق‌آمیز عملیات روانی دشمن به‌شمار می‌رود و منجر به دست کشیدن سپاهیان حضرت امیر از جنگ گردید. در ادامه نیز عمرو بن عاص با عملیات روانی ابوموسی اشعری را شکست داد. این در زمانی اتفاق افتاد که امام علی(ع)، ناگزیر به جنگ شد و در صفین با معاویه نبرد کرد و به اسیر شدن او چیزی نمانده بود که عمرو بن عاص برای نجات سپاه باطل نیرنگی سوار کرد. به سپاه خود گفت تا قرآن‌ها را بر سر نیزه کنند و وانمود کنند که خواستار داوری قرآن هستند (امینی، 1359، ص44).

از نمونه‌‌های بارز خدعه، فریب و تبلیغات در عملیات روانی می‌توان به استفادة معاویه از پیراهن عثمان در مسجد جامع دمشق و تحریک مردم به خون‌خواهی عثمان - در حالی که مردم شام از خلافت، چیزی جز حرف‌های شیرین معاویه نمی‌دانستند- اشاره کرد. با این ترفند، بسیاری از شامیان و بیشتر قبایل تک‌روی عرب و آزمندانشان اطراف معاویه جمع شدند. در نتیجه او از اطاعت علی(ع) سرپیچید و مدّعی خلافت شد و مردم را علیه حکومت حضرت شورانید (منقری، 1370، ص178).

##### 2-4.تخدیر

تخدیر به معنای بی‌حس کردن و سست کردن است (فرهنگ فارسی معین، 1354، ص68). این شیوه برای سستی و بی‌تفاوت نمودن ملت‌ها به کار می‌رود. این شگرد برای سلطه بر ملت‌ها همواره توسط متخصصان عملیات روانی به‌کار گرفته می‌شود و شور و احساس حاکم بر رفتار ایشان را به‌تدریج کمرنگ و زایل می‌کند. با کاهش شور و انگیزة درونی مخاطبان، روحیه و ارادة‌ آنها نیز تضعیف شده و توان مبارزه را از دست می‌دهند (شیرازی،1380، ص41).

گسترش مظاهر مادی و دنیوی و القای تحریف‌شدة‌ دین از کانال غیرحقیقی و جعلی، شیوه‌ای بود که معاویه برای نابودی اسلام ناب در پیش گرفته بود. معاویه و عمروعاص همواره خود را اسلام‌شناس معرفی می‌کردند و به‌جای اسلام ناب محمدی، به ترویج اسلام بنی‌امیّه ‌می‌پرداختند. مردم مسلمان به‌خصوص مسلمانان شام هم به‌گونه‌ای تربیت شده‌ بودند که وقتی معاویه نماز جمعه را در روز چهارشنبه اقامه کرد یا ولید بن عقبه با حالت مستی وارد محراب عبادت و امام جماعت مسلمین شد، آن را طبیعی دانسته، متعرض نشدند. بی‌اعتنایی به امور دین و ترویج فساد و فحشاء، همگی برای تخدیر مسلمانان بود. در چنین جامعه‌ای عوام و خواص آلوده شده، نسبت به ارزش‌ها و باورهای دینی بی‌تفاوت بودند؛ به‌طوری که دین و صاحب دین مورد هتک حرمت قرارمی‌گرفت و مردم بی‌تفاوت بوده، واکنشی نشان نمی‌دانند (مسعودی، 1365، ص36).

در حدیثی نبوی پیامبر(ص)، عمار بن یاسر را کسی معرفی کرده بود که به دست طغیان‌گران به شهادت می‌رسد. وقتی در جنگ صفین عمار به دست سپاهیان معاویه به شهادت رسید، سپاهیان معاویه که حدیث پیامبر را شنیده بودند دچار تردید شدند. در نتیجه معاویه با بیان اینکه عمار را کسی کشته که او را به جنگ آورده است، سپاهیانش را فریب داد. با وجود اینکه امام علی(ع) جواب آنها را با استدلال داد و سخن آنها را این‌گونه نقد کرد که با چنین تفکری مقصر کشته‌ شدن کشته‌شدگان جنگ بدر و احد نیز پیامبر(ص) بوده‌اند، اما این تنها برای سپاهیان امام علی(ع) قانع‌کننده بود و لشکریان معاویه، سفسطة وی را پذیرفتند (خرمشاهی، 1376، ص37).

معاویه چنان مردم شام را استعمار کرده بود که روزی به امام علی(ع) نامه نوشت که دست از مخالفت با من بردار که با مردمی به جنگ تو می‌آیم که شتر نر را از ماده تشخیص نمی‌دهند (مسعودی، 1365، ص36).

##### 3-4. تطمیع

مخاطبان، برای دست‌یابی به هدف اصلی خود، ناچارند بعضی از هدف‌های فرعی را فراموش و برخی امتیازات را رها کنند. متخصصان عملیات روانی، با شناخت و آگاهی از این مهم می‌کوشند اهداف قابل‌دسترس و بی‌دردسرتری را به مخاطبان پیشنهاد کنند یا برای آنها پاداش در نظر بگیرند، زیرا آز و طمع، محرکی نیرومند است و بسیاری مواقع، پاداش می‌تواند مخاطبان را به دگرگونی علایق، مقاصد و راهکارهایشان تشویق و آنها را تطمیع کند (شیرازی، 1380، ص42).

معاویه، در مبارزه با امام علی(ع) و امام حسن(ع) به شیوه و روش تطمیع، توسل جست. هر کس را متناسب با آرزویش وعده داد. او عده‌ای را با درهم و دینار و عده‌ای دیگر را با وعدة‌ خلافت یا استانداری تطمیع کرد و در این خصوص موفقیت‌های زیادی را به‌دست آورد. در نامه‌هایی که معاویه به فرماندهان و کارگزاران امام و بعضی صحابة‌ مشهور مانند سعد بن ابی‌وقاص، عبدالله بن عمر، طلحه، زبیر، زیاد بن حفصه، قیس بن سعد و دیگران نوشت، بهره‌مندی آنها از ثروت یا ولایت یا خلافت را وعده داد (جوانی، 1382، ص120). برای همین بود که عموم مردم برای رفتن به عراق با امام علی(ع) همراه بودند جز سه نفر یعنی سعد بن ابی وقاص، عبدالله بن عمر بن خطاب و محمد بن مسلمه انصاری. هر یک از آنها برای سرباز زدن از رفتن به‌سوی عراق، بهانه‌ای تراشیدند. در جواب دعوت امام برای آماده شدن و حرکت به عراق، سعد گفت: «شمشیری به من بده که کافر را از مسلمان تشخیص دهد تا با آن شمشیر در رکاب تو جنگ کنم». عبدالله بن عمر هم گفت: «تو را سوگند می‌دهم که مرا به چیزی که آن را نمی‌شناسم وادار مکن». محمد بن مسلمه هم گفت: «پیامبر به من دستور فرمود با شمشیر خود مشرکان را بکشم و چون نمازگزاران کشته شوند شمشیر خود را به سنگ‌های کوه احد بزنم و بشکنم و من دیروز این کار را کردم». سپس اسامه بن زید به حضور علی(ع) آمد و گفت: «مرا از بیرون آمدن با خودت در این راه معاف دار که من با خداوند عهد کرده‌ام با کسانی که گواهی به وحدانیت خداوند می‌دهند جنگ نکنم» (دینوری، 1371، ص180). بنابراین معاویه توانست مشهورترین سیاست‌مداران و مردان کارآمد عرب را تطمیع کرده، با خود همراه سازد. در این میان چهار تن به عقیدة‌ مورخان، از همه باهوش‌تر و زیرک‌تر بودند که عبارتند از: عمرو‌بن‌عاص، زیاد بن ابیه، عبیدالله بن زیاد و مغیره بن شعبه.

معاویه برای غلبه بر سپاه امام علی(ع) با بهره‌گیری از روش تطمیع، بذل و بخشش‌های فراوانی به افراد مختلف کرد و هیچ‌گونه محدودیتی در این خصوص نداشت. معاویه، بر مخالفت امیرالمؤمنین(ع) عزم خود را جزم کرده بود و کسی را برای احضار عمروعاص به مصر فرستاد. وقتی نزد او آمد در مخالفت با آن حضرت با وی مشورت کرد. عمروعاص ابتدا ابا نمود و بعد از مبالغة‌ بسیار، به وعدة حکومت مصر، به مخالفت با آن حضرت راضی شد و گفت: علی(ع) صاحب فضایل و سوابق است. پس با وی نمی‌توان مقابله کرد مگر به دو چیز، به حلم و به بذل. معاویه گفت: «من جود کنم آنچه دارم و صبر کنم بر شیرینی نوش و تلخی نیش» و بعد از آن بیعت اهل شام با معاویه رونق گرفت (سیدرضی، 1378، ترجمه ملا فتح‌الله کاشان، ص288). بنابراین، بذل و بخشش راز موفقیت معاویه برای جذب افراد بود. کسانی از خواص جامعة‌ اسلامی عصر امام علی(ع) دین خود را بسیار ارزان فروختند و جنگ نرم، بازار مکاره‌ای برای فروش این متاع بود.

امام علی(ع) در خصوص طراحان جنگ نرم فرمودند: «ما لَهُم قَاتَلَهُمُ اللهُ قَد یَری الحُوّلُ القُلَّبُ وجهَ الحِیلَه؛ اینها -رحمت خدا از ایشان دور باد- چه سود می‌برند؟ کسانی که از بصیرت به دورند و از راه حق بازمی‌دارند» (نهج‌البلاغه، خطبه41).

**4-4. شیوة‌ تمسخر**

از شیوه‌های کاربردی معاویه برای سود بردن در عملیات روانی، بهره‌برداری از شیوة‌ تحقیر است. وی برای تحقیر امام علی(ع) در نامه‌ای نوشته بود که او را چون شتری مهار شده برای بیعت با ابوبکر برده‌اند و امام علی(ع) در جواب نامة‌ معاویه، چنین می‌فرمایند: «و گفته‏اى كه مرا چونان شتر مهار كرده به‌سوی بیعت مى‏كشاندند. سوگند به خدا! خواستى نكوهش كنى، امّا ستودى، خواستى رسواسازی كه خود را رسوا كرده‏اى، مسلمان را چه باك كه مظلوم واقع شود، مادام كه در دین خود تردید نداشته، و در یقین خود شك نكند، این دلیل را آورده‏ام حتى براى غیر تو كه پند گیرند، و آن را كوتاه آوردم به مقدارى كه از خاطرم گذشت» (نهج‌البلاغه، نامه 28).

#### 5- شیوه‌های امام علی(ع) در مقابله با عملیات روانی دشمن

در ادامه، به برخی از شیوه‌های امام علی(ع) در مقابله با عملیات روانی دشمن ‌پرداخته می‌شود.

##### 1-5. افشاگری

افشاگری نوعی تاکتیک عملیات روانی است که در آن با ارائة‌ حقایق و آشنا ساختن مخاطبان با اهدافی که باید در پیشِ گیرند، آنان را به سمتی که مورد نظر است هدایت می‌کنند و مخاطبان با آگاهی از حقایق برای دستیابی به هدف، تلاش مضاعفی را انجام می‌دهند یا در مقابل شایعات و تکذیب‌ها مقاوم شده و به خواسته‌های دشمن، تن نمی‌دهند (شیرازی، 1380، ص45).

حضرت علی(ع) برای فتنه‌زدایی از روش‌های گوناگونی از جمله افشاگری، شبهه‌زدایی، ارشاد و هدایت بهره می‌گرفت. چنانچه دربارة افشای سران جمل فرمود: «تا بوده‌ام مرا از جنگ نترسانده و از ضربت شمشیر نهراسانده‌اند. من به وعدة پيروزى كه پروردگارم داده است استوارم. به خدا سوگند، طلحه بن عبيده، براى خونخواهى عثمان شورش نكرد، جز اينكه می‌ترسید خون عثمان از او مطالبه شود، زيرا او خود متهم به قتل عثمان است كه در ميان مردم از او حریص‌تر بر قتل عثمان يافت نمی‌شد. براى اينكه مردم را دچار شك و ترديد كند، دست به این‌گونه ادعاهاى دروغين زد. سوگند به خدا، لازم بود طلحه، نسبت به عثمان يكى از سه‌ راه‌حل را انجام می‌داد كه نداد: اگر پسر عفّان ستمكار بود چنانكه طلحه می‌اندیشید، سزاوار بود با قاتلان عثمان همكارى می‌کرد، و از ياران عثمان دورى می‌گزید، يا اگر عثمان مظلوم بود می‌بایست از كشته شدن او جلوگيرى می‌کرد و نسبت به كارهاى عثمان عذرهاى موجه و عموم‌پسندى را طرح می‌کرد و اگر نسبت به امور عثمان شك و ترديد داشت خوب بود كه از مردم خشمگين كناره می‌گرفت و به انزوا پناه برده و مردم را با عثمان وامی‌گذاشت. اما او هیچ‌کدام از سه‌راه‌حل را انجام نداد و به كارى دست زد كه دليل روشنى براى انجام آن نداشت، و عذرهايى آورد كه مردم‌پسند نيست» (نهج‌البلاغه، خطبه174).

در جریان جنگ صفین به امام(ع) گزارش رسید که گروهی از یارانش به مردم شام و سران آنها ناسزا می‌گویند، در این هنگام امام شیوة‌ افشاگری که بارها بهتر، کوبنده‌تر و مؤثرتر از روش جاهلانة فحاشی است را به یارانش توصیه کرده، ‌فرمودند: «من دوست ندارم شما فحاش باشید و لکن هرگاه خواستید ماهیت دشمن را افشا کنید، کافی است که عملکرد زشت آنها را توصیف کنید و حال و موقعیت و چهرة‌ آنها را یادآور شوید و این شیوه در گفتار درست‌تر و برای قطع هر بهانه‌ای رساتر است» (نهج‌البلاغه، خطبه 197).

تلاش حضرت علی(ع) در پیکار با سردمداران باطل، اعتلای کلمة‌ حق و نجات مردم شام از گمراهی و طرز تفکر غلط بود. در این میان فحش و ناسزا به خاطر ماهیت جاهلانه و بی‌منطق نیز به علت جریحه‌دار کردن عواطف دشمن، نه‌تنها رسیدن به هدف‌های یادشده دشوار را بلکه به‌احتمال ناممکن می‌ساخت، همچنین دشمن را به سرسختی و موضع‌گیری احساسی و نه عقلانی وادار می‌کرد. به همین دلیل برای امام و آنها که علاقمند به حل منطقی درگیری‌ها و انتخاب آسان‌ترین و نزدیک‌ترین راه برای پیروزی در پیکار بودند، ناسزاگویی شیوه‌ای غیرقابل‌قبول به‌شمار می‌آمد (عمید زنجانی، 1366، ص104).

وقتی سران جمل تبلیغات گسترده‌ای علیه امام(ع) در میان مردم نمودند و ایشان را به قتل عثمان متهم کردند، امام به هنگام حرکت از مدینه به بصره، نامه‌ای به مردم کوفه نوشت و توطئة‌ آنها را افشا کرد. با این مضمون که «همانا شما را از كار عثمان چنان آگاهى دهم كه شنيدن آن‌ چنان ديدن باشد، مردم بر عثمان عيب گرفتند، و من تنها كسى از مهاجران بودم كه او را به جلب رضايت مردم واداشته، و كمتر به سرزنش او زبان گشودم. امّا طلحه و زبير، آسان‌ترین كارشان آن بود كه بر او يورش برند، و او را برنجانند، و ناتوانش سازند. عايشه نيز ناگهان بر او خشم گرفت، عدّه‌ای به تنگ آمده او را كشتند...» (نهج‌البلاغه، خطبه 40).

امام(ع) پس از شعار "لا حکم الاّ لله" خوارج نیز برای افشاگری فرمودند: «کَلِمهُ الحقّ یُرادُ بِهَا باطلٌ؛ کلمة حقی که از آن ارادة باطل شد» (نهج‌البلاغه، خطبه 40). همچنین ایشان دربارة فتنة‌ خوارج فرمود: «ای مردم من بودم که چشم فتنه را کندم و جز من هیچ‌کس جرئت چنین کاری نداشت؛ آنگاه‌که امواج سیاهی‌ها بالا گرفت و به آخرین درجة‌ شدت خود رسید» (نهج‌البلاغه، خطبه 93).

**2-5. ارعاب دشمن**

یکی از شیوه‌های مؤثر در عملیات روانی، ایجاد رعب و ترس در صفوف دشمنان و حامیان آنان است. این حربه در جنگ‌های صدر اسلام نیز از جایگاهی ویژه برخوردار بود و جزء شیوه‌هایی است که حضرت علی(ع) در مقابل عملیات روانی دشمنان آن را اجرا می‌کردند. حضرت با سخنان خود رعب و وحشت را در دل دشمنان وارد ساختند هنگامی‌که ‌فرمودند: «أَلاَ و إنَّ الشَّيْطَانَ قَدْ جَمَعَ حِزْبَهُ وَ اسْتَجْلَبَ خَيْلَهُ وَ رَجِلَهُ و إِنَّ مَعِي لَبَصِيرَتي. مَا لَبَّسْتُ عَلَى نَفْسِي وَ لاَ لُبِّسَ عَلَيَّ. وَ ايْمُ اللهِ لَاُ فْرِطَنَّ لَهُمْ حَوْضاً أَنَا مَاتِحُهُ لاَ يَصْدِرُونَ عَنْهُ وَ لاَ يَعُودُونَ إِلَيْهِ؛ به هوش باشيد كه شيطان حزب خود را بسيج كرده و سواره‌نظام و پيادگان خود را به خط نموده است و اين بينش و بصيرت من است كه مرا ياور است. من نه خود را فريب داده‏ام و نه فريب كسي را خورده‏ام. به خدا سوگند، گردابی برای آنها به وجود آورد که جز من کسی نتواند آن را چاره سازد. آنها که در آن غرق شوند، هرگز نتوانند بیرون آیند و آنان که بگریزند، خیال بازگشت نکنند» (نهج‌البلاغه، خطبه 10). وقتی سخنان امام(ع) و پیام‌ها و مذاکراتی که نمایندگان امام به عمل آوردند و مهلتی که امام داد، هیچ‌کدام در تنبیه ناکثین اثر نبخشید و آنها همچنان در راه گمراهی اصرار ورزیدند، کار به جایی رسید که امام را به جنگ تن‌به‌تن فراخواندند (عمید زنجانی، 1366، ص114). به همین خاطر امام در خطبه‌ای قرّاء و فصیح، دشمنان را به رعب و وحشت انداخت و با تهدید دشمن، قدرت مادی و معنوی آنها را تضعیف نمود و فرمود:‌ «إِنِّي لَرَاضٍ بِحُجَّةِ اللهِ عَلَيْهِمْ وَ عِلْمِهِ فِيهمْ. فَإِنْ أَبَوْا أَعْطَيْتُهُمْ حَدَّ السَّيْفِ، وَكَفَى بِهِ شَافِياً مِنَ البَاطِلِ، وَ نَاصِراً لِلْحَقِّ! وَمِنَ العَجَبِ بَعْثُهُمْ إِلَيَّ أَنْ أَبْرُزَ لِلطِّعَانِ! وَأَنْ أصْبِرَ لِلْجِلادِ! هَبِلَتْهُمُ الهَبُولُ! لَقَدْ كُنْتُ وَ مَا أُهَدَّدُ بِالحَرْبِ، وَ لاَ أُرَهَّبُ بِالضَّرْبِ! وَ إِنِّي لَعَلَى يَقِينٍ مِنْ رَبِّي، وَ غَيْرِ شُبْهَةٍ مِنْ دِيني؛ همانا من به كتاب خدا و فرمانش درباره ناكثين خشنودم، امّا اگر از آن سرباز زدند با شمشير تيز پاسخ آنها را خواهم داد، كه براى درمان باطل و یاری دادن حق كافى است. شگفتا از من خواستند به ميدان نبرد آيم و برابر نیزه‌های آنان قرار گيرم و ضربت‌های شمشير آنها را تحمّل كنم. گريه‌كنندگان بر آنها بگريند تا كنون كسى مرا از جنگ نترسانده و از ضربت شمشير نهراسانده است، من به پروردگار خويش يقين داشته و در دين خود شك و ترديدى ندارم» (نهج‌البلاغه، خطبه 22). در یکی از روزهای نبرد صفین، حضرت علی(ع) اظهار کرد که صبح به سپاه معاویه یورش خواهیم برد. این خبر به گوش معاویه رسید. ترس و واهمه، سپاه شام را فراگرفت و روحیة‌ خود را باختند (منقری، 1370، ص468).

یکی از تاکتیک‌های نظامی امیرمؤمنان(ع) این بود که برای موفقیت در نبرد، تضعیف روحیه و تسلیم آنها بدون خونریزی، دست به تبلیغات گسترده می‌زد. حضرت علی(ع) در پیکار جمل کسی را فرستاد تا در میان سپاه عایشه چنین اعلان کند: ای مردم از شمشیر مالک و جندب بن زهیر بترسید (بخاری، 1343، ص149؛ ابن‌حجر العسقلانی، 1328، ص248). همچنین آن حضرت در گرماگرم نبرد فریاد برآورد: «ای محمد بن ابی بکر! اگر عایشه افتاد، او را بپوشان و کارهایش را بر عهده گیر. وقتی نیروهای دشمن این سخن را شنیدند ارکان لشکر در هم ‌ریخت و اضطراب شدیدی بر آنان حکمفرما شد؛ در حالی‌که امام علی(ع) همچنان در جایگاه خود ایستاده بود» (مفید، 1364، ص183).

ایجاد رعب و وحشت میان دشمن، تنها شیوة‌ امام علی(ع) نبوده، بلکه رسول اکرم(ص) نیز برای ایجاد هراس در دل دشمنان، از تاکتیک‌های روانی بهره می‌جست و آنان را در حالتی از وحشت گذاشته و بر روح و روان آنان تسلط می‌یافت و در نتیجه توان مقابله و مقاومت را از ایشان می‌گرفت. آن حضرت خود در این مورد، چنین فرموده است: «من با ایجاد ترس در دل دشمن یاری شده‌ام» (بخاری، 1343، ص438).

شیوة‌ برخورد امام علی(ع) با دشمن از همان نخستین روزهای درگیری اسلام با دشمنان مهاجم در جنگ بدر و نحوة‌ عملیات تهاجمی امام در همة‌ صحنه‌های نبرد، چه در جنگ‌های تن‌به‌تن و چه در جنگ‌های دسته‌جمعی، این سؤال را برای ناظران مطرح می‌کرد که عامل پیروزی امام بر رقبا و همتایان خود چه بوده است؟ و جواب امام به این سؤال این است که: «کسی را ندیدم جز آنکه مرا در شکست خود یاری می‌داد» (نهج‌البلاغه، حکمت310). از این کلام امام(ع) چنین برمی‌آید که رعب و وحشت چنان روحیه فرد مقابل را تضعیف می‌نمود که خود به دست خویش موجبات مرگ را فراهم می‌آورد. امام(ع) در پاسخ به معاویه که ایشان را به جنگ فراخوانده بود و سخنانی تهدیدآمیز نوشته بود، با یادآوری جنگ بدر، معاویه را به رعب و وحشت انداخت و فرمود: «وَ قَدْ دَعَوْتَ إِلَى الْحَرْبِ فَدَعِ النّاسَ جانِبا وَ اخْرُجْ إِلَيَّ، وَ أَعْفِ الْفَرِيقَيْنِ مِنَ الْقِتالِ لِيُعْلَمَ اَيُّنَا الْمَرِينُ عَلى قَلْبِهِ وَ الْمُغَطّى عَلَى بَصَرِهِ؛ فَاءَنَا اءَبُو حَسَنٍ قاتِلُ جَدِّكَ وَ خالِكَ وَ اءَخِيكَ شَدْخا يَوْمَ بَدْرٍ، وَ ذلِكَ السَّيْفُ مَعِي، وَ بِذلِكَ الْقَلْبِ اَلْقى عَدُوِّي ! مَا اسْتَبْدَلْتُ دِينا، وَ لا اسْتَحْدَثْتُ نَبِيّا، وَ إِنِّي لَعَلَى الْمِنْهاجِ الَّذِي تَرَكْتُمُوهُ طائِعِينَ، وَ دَخَلْتُمْ فِيهِ مُكْرَهِينَ؛ اگر راست می‌گویی مردم را بگذار و به جنگ من بيا، و دو لشكر را از كشتار بازدار، تا بدانى پرده تاريك بر دل کدام‌یک از ما كشيده، و ديده چه كس پوشيده است. من، ابوالحسن، كشنده جدّ و دايى و برادر تو در روز نبرد بدر هستم كه سر آنان را شكافتم. امروز همان شمشير با من است و با همان قلب با دشمنانم ملاقات می‌کنم. نه بدعتى در دين گذاشته و نه پيامبر جديدى برگزیده‌ام. من بر همان راه راست الهى قرار دارم كه شما با اختيار رهايش كرده و با اكراه پذيرفته بوديد» (نهج‌البلاغه، نامه 10).

‏**3-5. قدرت‌نمایی و تظاهر به قوی بودن**

تظاهر به قدرت و پنهان کردن یا کوچک‌نمایی نقاط ضعف نیروهای خودی می‌تواند در ‏بازدارندگی دشمن مؤثر واقع شود. بر همین اساس، متولیان عملیات روانی در مواقع لزوم ‏از این شیوه بهره‌برداری می‌کنند. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: ‏«‏و أعدوا لهم ما استطعتم ‏من قوه؛ و شما ای مؤمنان در مقام مبارزه با آنها خود را مهیا کنید که چراغ هدایت خوبی برای ‏افزایش توان و قدرت در مقابل دشمنان و تظاهر به قوی بودن است‏» ‏‏(انفال‏/‏60).

حضرت علی(ع)، در نامه به مردم بصره زمانی که معاویه قصد توطئه ‏در بصره را داشت، چنین می‌فرماید: ‏«‏قَدْ كانَ مِنِ انْتِشارِ حَبْلِكُمْ وَ شِقاقِكُمْ ما لَمْ تَغْبَوْا عَنْهُ، ‏فَعَفَوْتُ عَنْ مُجْرِمِكُمْ، وَ رَفَعْتُ السَّيْفَ عَنْ مُدْبِرِكُمْ، وَ قَبِلْتُ مِنْ مُقْبِلِكُمْ، فَإِنْ خَطَتْ بِكُمُ الْاءُمُورُ ‏الْمُرْدِيَةُ، وَ سَفَهُ الْآراءِ الْجائِرَةِ إِلى مُنابَذَتِي وَ خِلافِي فَها اءَنَا ذا قَدْ قَرَّبْتُ جِيَادِي وَ رَحَلُتْ رِكَابِي‎ ‎وَ ‏لَئِنْ اءَلْجَأْتُمُونِي إِلَى الْمَسِيرِ إِلَيْكُمْ لَاءُوقِعَنَّ بِكُمْ وَقْعَةً لاَ يَكُونُ يَوْمُ الْجَمَلِ إِلَيْهَا إِلا كَلَعْقَةِ لاَعِقٍ، مَعَ ‏اءَنِّي عَارِفٌ لِذِي الطَّاعَةِ مِنْكُمْ فَضْلَهُ، وَلِذِي النَّصِيحَةِ حَقَّهُ، غَيْرُ مُتَجَاوِزٍ مُتَّهَما إِلَى بَرِيِّ وَ لاَ نَاكِثا إِلَى ‏وَفِيِّ‏؛ شما از پیمان شکستن و دشمنی آشکار با من آگاهید. با این همه ‏شما را عفو کردم و شمشیر از‎ ‎فراريان‎ ‎برداشتم و‎ ‎استقبال‌‎كنندگان‎ ‎را‎ ‎پذيرفتم ‎و‎ ‎از‎ ‎گناه‎ ‎شما‎ ‎چشم‎ ‎پوشيدم.‏‎ ‎اگر‎ ‎هم‎اكنون‎ ‎كارهاى‎ ‎ناروا‎ ‎و‎ ‎انديشه‌هاى‎ ‎نابخردانه،‎ ‎شما‎ ‎را‎ ‎به مخالفت‎ ‎و‎ ‎دشمنى‎ ‎با‎ ‎من‎ ‎بكشاند،‎ ‎سپاه‎ ‎من‎ ‎آماده‎ ‎و‎ ‎پا‎ ‎در‎ ‎ركابند‎ ‎و‎ ‎اگر‎ ‎مرا‎ ‎به‎ ‎حركت‎ ‎دوباره‎ ‎مجبور‎ ‎كنيد،‎ ‎حمله‌اى‎ ‎بر‎ ‎شما‎ ‎روا دارم‎ ‎كه‎ ‎جنگ‎ ‎جمل‎ ‎در‎ ‎برابر‎ ‎آن‎ ‎بسيار‎ ‎كوچك‎ ‎باشد،‎ ‎با‎ ‎اينكه‎ ‎به‎ ‎ارزش‌هاى‎ ‎فرمانبردارانتان‎ ‎آگاهم،‎ ‎و‎ ‎حق‎ ‎نصيحت‌‎كنندگان‎ ‎شما را‎ ‎می‌شناسم،‎ ‎و‎ ‎هرگز‎ ‎به‎ ‎جاى‎ ‎شخص‎ ‎متهمى،‎ ‎انسان‎ ‎نيكوكارى‎ ‎را‎ ‎نخواهم‎ ‎گرفت،‎ ‎و‎ ‎هرگز‎ ‎پيمان‎ ‎وفاداران‎ ‎را‎ ‎نخواهم شكست‏» ‏(نهج‌البلاغه، نامه 29)‏‎‏.

**4-5. بهره‌گیری از مکر و حیله در برابر مکر دشمنان**

یکی از روش‌های تأثیرگذار بر مخاطبان و دشمنان بهره‌گیری به‌موقع از شیوه فریب است. ‏در جنگ، یک لحظه غفلت و بی‌توجهی و ساده‌دلی ممکن است خساراتی جبران‌ناپذیر به ‏همراه داشته باشد، بنابراین باید از همه شیوه‌های مجاز و مشروع استفاده کرد که یکی از آنها ‏فریب دشمن است.

‏"عدی بن حاتم" می‌گوید: در یکی از جنگ‌ها با علی(ع) بودم. هنگامی که فرمود: به ‏خدا قسم معاویه و اصحاب وی را خواهم کشت و سپس به آهستگی فرمود، انشاءالله. من که ‏نزدیک امام بودم عرض کردم، در اول سوگند یاد نمودید که آنان را به قتل خواهید رسانید و ‏سپس انشاءالله گفتید، مقصود شما چه بود؟ امام در پاسخ فرمود: جنگ خدعه است، من بنده ‏صادق خدایم، دروغ نمی‌گویم، خواستم یارانم را تحریص و تشویق به مقابله آنان نمایم که ‏احساس ضعف و سستی نکنند و به امید پیروزی بجنگند ‏(یاسینی، ‏1378‏، ص22).‏

جواز فریب و خدعه در عرصه جنگ نظامی، در برابر مکر دشمنان می‌باشد، ‏چنانکه قرآن کریم می‌فرماید: ‏«‏دشمنان اسلام هرچه بتوانند کید و مکر می‌کنند و ما هم در ‏مقابل مکرشان مکر خواهیم کرد‏»‏ (طارق/15).

**‏ 5-5. بهره‌گیری از عوامل استخباراتی و جاسوسان**

از مهم‌ترین ابزارها و روش‌های مورد استفاده امام علی(ع) در مقابله با عملیات روانی دشمن، ‏عوامل استخباری و جاسوسانی بود که به‌سوی دشمن گسیل می‌کرد. این جاسوسان، شایعاتی را منتشر می‌کردند که روحیه دشمن را سست کرده، آنان را به ‏فرار وامی‌داشت.

امام علی(ع) در دوران زمامداری خویش به بهترین صورت ممکن از ابزار خبررسانی ‏برای برخورد با دشمنان حکومت اسلامی بهره می‌برد. تاریخ گواه آن است که امام علی(ع) در شهرهای مختلف افرادی را گماشته بود که حرکات و فعالیت‌های مخالفان حکومت را زیر ‏نظر گرفته، گزارش‌های دقیقی را برای ایشان ارسال دارند (سعیدی‌مهر، ‏1375، ص84). امام علی(ع) در یکی از نامه‌های خویش به کارگزار حکومت در مکه گزارش ‏یکی از مخبران خود را در شام به اطلاع وی ‌رساند و از او ‌خواست تا با هوشیاری کامل ‏مراقب اوضاع مکه باشد. در نامه‌ای از امام علی(ع) آمده است: ‏«‏همانا‎ ‎مأمور‎ ‎اطلاعاتى‎ ‎من‎ ‎در‎ ‎شام‎ ‎به‎ ‎من‎ ‎اطلاع‎ ‎داده‎ ‎است‎ ‎كه‎ ‎گروهى‎ ‎از‎ ‎مردم‎ ‎شام‎ ‎براى‎ ‎مراسم‎ ‎حج به‎ ‎مكه‎ ‎مى‌آيند،‎ ‎مردمى‎ ‎كور‎دل،‎ ‎گوش‌هايشان‎ ‎در‎ ‎شنيدن‎ ‎حق‎ ‎ناشنوا‎ ‎و‎ ‎ديده‌هايشان‎ ‎نابينا،‎ ‎كه‎ ‎حق‎ ‎را‎ ‎از‎ ‎راه‎ ‎باطل‎ ‎مى‌جويند،‎ ‎و بنده‎ ‎را‎ ‎در‎ ‎نافرمانى‎ ‎از‎ ‎خدا،‎ ‎فرمان‎ ‎مى‌برند،‎ ‎دين‎ ‎خود‎ ‎را‎ ‎به‎ ‎دنيا‎ ‎مى‌فروشند،‎ ‎و‎ ‎دنيا‎ ‎را‎ ‎به‎ ‎بهاى‎ ‎سراى‎ ‎جاودانه‎ ‎نيكان‎ ‎و‎ ‎پرهيزكاران مى‌خرند،‎ ‎در‎ ‎حالى‎ ‎كه‎ ‎در‎ ‎نيكى‌ها،‎ ‎انجام‎دهنده‎ ‎آن‎ ‎پاداش‎ ‎گيرد،‎ ‎و‎ ‎در‎ ‎بدى‌ها‎ ‎جز‎ ‎بدكار‎ ‎كيفر‎ ‎نشود.‏‎ ‎پس‎ ‎در‎ ‎اداره‎ ‎امور‎ ‎خود‎ ‎هشيارانه و‎ ‎سرسختانه‎ ‎استوار‎ ‎باش.‏‎ ‎نصيحت‎دهنده‌اى‎ ‎عاقل،‎ ‎پيرو‎ ‎حكومت ‎و‎ ‎فرمانبردار‎ ‎امام‎ ‎خود‎ ‎باش‏»‏ (نهج‌البلاغه، نامه 33).‏

همچنین امام(ع) در عهدنامه مالک اشتر پس از آنکه دستورالعملی جامع در ‏نحوه برخورد با کارگزاران حکومت ارائه داد، مالک را بر استفاده از مخبران راستگو و ‏درستکار برای نظارت بر کار آنان چنین سفارش کرد: ‏«‏سپس‎ ‎رفتار‎ ‎كارگزاران‎ ‎را‎ ‎بررسى‎ ‎كن‎ ‎و‎ ‎جاسوسانى‎ ‎راستگو‎ ‎و‎ ‎وفاپيشه‎ ‎بر‎ ‎آنان بگمار‎ ‎كه‎ ‎مراقبت‎ ‎و‎ ‎بازرسى‎ ‎پنهانى‎ ‎تو‎ ‎از‎ ‎كار‎ ‎آنان،‎ ‎سبب‎ ‎امانت‎‌دارى‎ ‎و‎ ‎مهربانى‎ ‎با‎ ‎رعيّت‎ ‎خواهد‎ ‎بود و‎ ‎از‎ ‎همكاران‎ ‎نزديكت سخت‎ ‎مراقبت‎ ‎كن‎ ‎و‎ ‎اگر‎ ‎يكى‎ ‎از‎ ‎آنان‎ ‎دست‎ ‎به‎ ‎خيانت‎ ‎زد‎ ‎و‎ ‎گزارش‎ ‎جاسوسان‎ ‎تو‎ ‎هم‎ ‎آن‎ ‎خيانت‎ ‎را‎ ‎تأييد‎ ‎كرد،‎ ‎به‎ ‎همين‎ ‎مقدار گواهی قناعت کن‏»‏ (نهج‌البلاغه، نامه 52).‏

‏**6-5. تمسک به ‏ایمان و قدرت عقیده**

در مکتب اسلام، عقیده راسخ که بر ایمان استوار است، پایه‌های اصلی تقویت مجاهد علیه ‏عملیات ‏روانی دشمن را تشکیل می‌دهد زیرا ‏وعد و وعید و شیوه‌های مختلف عملیات روانی بر مؤمن،‌ جز افزایش ایمان و ثابت‌‏قدمی و آمادگی ‏بیشتر برای جانفشانی تأثیر دیگری ندارد. همان كسانى كه مردمِ منافق و عوامل نفوذى دشمن ‏به ‏آنان گفتند: ‏«‏الَّذينَ قالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزادَهُمْ إيماناً وَ قالُوا حَسْبُنَا ‏اللَّهُ وَ ‏نِعْمَ الْوَكيلُ‎؛ لشكرى انبوه از مردم مكه براى جنگ با شما گرد آمده‏اند ‏بيایيد از آنان بترسيد. ولى اين تهديد‏‎ ‎بر ‏ايمانشان افزود و گفتند: خدا ما را بس است و او نيكو ‏كارگزارى است‎‏»‏‎‏ (آل عمران/173)‏.

روانشناسان و کارشناسان عملیات روانی اتفاق‌نظر دارند که عملیات روانی بر سربازان بی‌عقیده و نا‏آگاه ‏به مسائل سیاسی و کم‌فرهنگ بیشتر تأثیر می‌گذارد. به همین دلیل، ایمان برای مسلمانان ‏به مثابه نور ‏هدایت بود و برای دشمنان آنها به‌منزله صخره‌ای به‌شمار می‌آمد که شیوه‌ها و تلاش‌های ‏آنها را برای ضربه زدن به ‏روحیه مسلمانان درهم می‌شکست. این امر در کلام حضرت علی(ع) به هنگام مشورت خلیفه دوم ‏با ایشان در باره جنگ با ایرانیان دیده می‌شود، که فرمودند:‌ «إنّ ‏هذا الاْمْر لمْ يكُنْ نصْرُهُ و لا خذْلانُهُ بكثْرةٍ و ‏لا بقلّةٍ، و هُو دينُ الله الّذي أظْهرهُ، وجُنْدُهُ الّذي أعدّهُ ‏وأمدّهُ، حتّى بلغ ما بلغ، و طلع حيْثُ طلع، و نحْنُ على ‏موْعُودٍ من الله، و اللهُ مُنْجزٌ وعْدهُ، و ناصرٌ ‏جُنْدهُ؛ پيروزى‎ ‎و‎ ‎شكست‎ ‎اسلام،‎ ‎به‎ ‎‎فراوانى‎ ‎و‎ ‎كمى‎ ‎طرفداران‎ ‎آن‎ ‎نبود،‎ ‎اسلام‎ ‎دين‎ ‎خداست‎ ‎كه‎ ‎آن‎ ‎را‎ ‎پيروز‎ ‎ساخت،‎ ‎و‎ ‎سپاه‎ ‎اوست كه‎ ‎آن‎ ‎را‎ ‎آماده‎ ‎و‎ ‎‎يارى‎ ‎فرمود،‎ ‎و‎ ‎رسيد‎ ‎تا‎ ‎آنجا‎ ‎كه‎ ‎بايد‎ ‎برسد،‎ ‎در‎ ‎هر‎ ‎جا‎ ‎كه‎ ‎لازم‎ ‎بود‎ ‎طلوع‎ ‎كرد،‎ ‎و‎ ‎ما‎ ‎بر‎ ‎وعده‎ ‎پروردگار‎ ‎خود اميدواريم‎ ‎‎كه‎ ‎او‎ ‎به‎ ‎وعده‎ ‎خود‎ ‎وفا‎ ‎مى‌كند،‎ ‎و‎ ‎سپاه‎ ‎خود‎ ‎را‎ ‎يارى‎ ‎خواهد‎ ‎كرد‎» ‏‏(نهج‌البلاغه، خطبه 146).

حضرت علی(ع) در وصف یاران جهادگر پیامبر(ص) می‌فرماید: «در‎ ‎ركاب‎ ‎پيامبر‎ ‎خدا(ص)‎ ‎بوديم‎ ‎و‎ ‎با‎ ‎پدران‎ ‎و‎ ‎فرزندان‎ ‎و‎ ‎برادران‎ ‎و‎ ‎عموهاى‎ ‎خود‎ ‎جنگ‎ ‎مى‌كرديم،‎ ‎كه‎ ‎اين مبارزه‎ ‎بر ايمان‎ ‎و‎ ‎تصميم‎ ‎‎ما‎ ‎مى‌افزود‎ ‎و‎ ‎ما‎ ‎را‎ ‎در‎ ‎جاده‎ ‎وسيع‎ ‎حق ‎و‎ ‎صبر‎ ‎و‎ ‎برد‎بارى‎ ‎برابر‎ ‎ناگواري‌ها‎ ‎و‎ ‎جهاد‎ ‎و‎ ‎كوشش‎ ‎برابر‎ ‎دشمن، ثابت‌قدم‎ ‎‎می‌ساخت» (نهج‌‌البلاغه، خطبه121). از سخنان امام(ع) چنین برمی‌آید که اگر سربازان، با ایمانی ‏راسخ ‏بجنگند و در این راه با ایمان و عقیده محکم پایداری ورزند، نه تنها زخم شمشیرها بر آنها ‏کارساز ‏نیست بلکه با اعمال هرگونه جنگ نرم علیه مسلمانان در جهت سست کردن روحیه آنها ‏جز بر یقین و ‏ایمان آنها نخواهد افزود و جواب آنها بر این تلاش‌های مأیوسانه دشمن جز جمله ‏"حسبنا الله و نعم ‏الوکیل" چیزی نخواهد بود.

#### 6. راهکارهای امیرالمؤمنین(ع) برای اقناع یاران در مقابله با عملیات روانی دشمن

امیرالمؤمنین در تقابل با عملیات روانی دشمن راهکارهایی را برای اقناع یاران به کار برده‌اند که عبارتند از:

##### 1-6. تشجیع و تحریک

تشجیع، نقطة‌ مقابل تخدیر است، یعنی به هیجان آوردن و جرئت دادن به فرد و تحریک احساسات دینی، قومی و عواطف انسانی و در پی آن حس تنفر از دشمن متجاوز. تشجیع، یکی از شیوه‌های کاربردی در عملیات روانی است که در آن شور و شوق و تلاش و حرکت به‌سوی هدف مطلوب، در مخاطب یا مخاطبان خود برانگیخته می‌شود و عواطف و احساسات و رفتار آنها را به سوی رفتاری مطلوب تقویت می‌کند (شیرازی، 1380). در جنگ‌های صدر اسلام برای تشویق و ترغیب به هنگام جنگ، رجزخوانی می‌کردند و شعارهای حماسه‌ای می‌دادند.

موضوع برانگیختن احساسات و تشویق افراد به مبارزه و مقاومت، از گذشته‌های دور اهمیت بسیاری داشته است. سیاست‌مداران، فرماندهان نظامی و متخصصان و مجریان عملیات روانی، بر اساس بینش و نوع تفکر و ایده‌های حاکم بر افراد خودی و نیروهای دشمن، به تحریک و تشجیع افراد می‌پرداختند. این شیوه،‌ تنها به میدان‌های نبرد و کارزار اختصاص ندارد،‌ بلکه در عرصه‌های گوناگون زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و... از جایگاهی ویژه برخوردار است.

از مصادیق بارز شیوة‌ تشجیع در‌ سخنان حضرت علی(ع)، خطبة‌ یازدهم به پسرش محمد بن حنفیه است که در نبرد جمل، هنگامی‌که پرچم جنگ را به او سپرد،‌ فرمود: «تَزول الجِبالُ وَ لا تَزُل. عضَّ علی ناجِذِکَ أعِر اللهَ جُمجُتَکَ. تِد فِی‌الارضِ قَدَمکَ. ارمِ ببصَرکَ اقصی القومِ و غضَّ بَصَرکَ و اعلم أنَّ النّصرَ مِن عندِاللهِ سُبحانَ؛ اگر کوه‌ها از جای کنده شود، تو به‌جای خویش بمان، دندان‌ها را بر هم بفشار و کاسة‌ سرت را به خدا عاریت سپار. پای در زمین کوب و چشم به کرانة‌ سپاه انداز و بیم بر خود راه نده و بدان که پیروزی از سوی خداست» (نهج‌البلاغه، خطبه11).

«زالَ یَزوُلُ، به معنای اِنتَقَلَ؛ یعنی از جایی به‌جای دیگر رفت» (لسان‌العرب، ذیل ماده زول). همچنان‌که در آیه شریفه خداوند می‌فرماید: «اِنَّ اللهَ یُمسِکُ السَّماواتِ و الاَرضَ اَن تَزُولا؛ یعنی خداوند آسمان‌ها و زمین را نگاه می‌دارد تا جابه‌جا نشود» (فاطر/41). حضرت علی(ع) با بیان این جملات، به پسرش محمد حنفیه، روحیة‌ شهامت و شجاعت را در فرزندش زنده کرد تا همچون کوه استوار باشد، با توکل به خداوند، ترس و بیم به خود راه ندهد و چون در راه خدا مبارزه می‌کند، بداند که پیروزی از سوی خداوند است.

هنگامی‌که خبر تسخیر شهر انبار توسط ارتش معاویه را به امام علی(ع) دادند و ایشان بی‌تفاوتی مردم را دید، برای انگیزش آنان به رزم در خطابه‌ای مشهور چنین گفت: «أمّا بعدُ فإنَّ الجهادَ بابٌ مِن أبوابِ الجَنّةِ فتَحَهُ اللهُ لخَاصّةِ اولیائهِ؛ بعد از ستایش پروردگار، جهاد در راه خدا، دری از درهای بهشت است که خدا آن را به روی دوستان مخصوص خود گشوده است» (نهج‌البلاغه، خطبه 27).

حضرت علی(ع)، پس از پیروزی کوفیان بر شورشیان بصره که مردم کوفه در آن پیروزی، نقشی تعیین‌کننده‌ داشتند، برای تشویق مجاهدان و تشکر از آنان چنین می‌فرماید: «خداوند شما مردم کوفه را از سوی اهل‌بیت پیامبر(ص)، پاداش نیکو دهد بهترین پاداشی که به بندگان فرمانبردار و سپاسگزاران نعمتش عطا می‌فرماید، زیرا شما دعوت ما را شنیدید و اطاعت کردید، به جنگ فراخوانده شدید و بسیج گشتید» (نهج‌البلاغه، نامه 2).

حضرت علی(ع) پس از آنکه معاویه با خدعه و فریب، رودخانه فرات را از دست سپاهیان امام(ع) گرفت با سخنرانی فصیح و بلیغ خود سپاهیان را تحریک به بازپس‌گرفتن فرات نمود و فرمود: «قَدِ اسْتَطْعَمُوكُمُ الْقِتَالَ فَأَقِرُّوا عَلَى مَذَلَّةٍ، وَ تَأْخِيرِ مَحَلَّةٍ، أَوْ رَوُّوا السُّيُوفَ مِنَ الدِّمَاءِ تَرْوَوْا مِنَ الْمَاءِ، فَالمَوْتُ في حَيَاتِكُمْ مَقْهُورِينَ، وَالْحَيَاةُ في مَوْتِكُمْ قَاهِرِينَ. أَلاَ وَ إِنَّ مُعَاوِيَةَ قَادَ لُمَةً مِنَ الْغُوَاةِ وَ عَمَّسَ عَلَيْهِمُ الْخَبَرَ حَتَّى جَعَلُوا نُحُورَهُمْ أَغْرَاضَ الْمَنِيَّةِ؛ شما را به سفره جنگ فراخوانده‏اند. اينك يا ذلّت را برگزينيد و موقعیت خود را از دست بدهيد يا شمشيرها را از خون سيراب كنيد تا از آب سيراب شويد، كه ذلّت‏پذيري مردن است گرچه بمانيد، و جهاد زندگي است‏ گرچه بميريد. بهوش باشيد كه معاويه گروهي فریب‌خورده و چشم و گوش بسته را به دنبال خود كشانده است تا آنان را به كشتن دهد و در بلا و دوزخ افكنَد» (نهج‌البلاغه، خطبه 51).

تشجیع و تحریک احساسات از شیوه‌های مشترک بین تمام گروه‌ها بوده است، برای نمونه عایشه برای تقویت روحیة‌ سپاه جمل، فریاد برمی‌آورد: «یا لثارات عثمان» و گاه می‌گفت: «یا بنی الکده، الکده إصبروا فانّی ضامنهٌ لکُم الجنهَ؛ ای فرزندانم، بردبار و صبور باشید، حمله کنید، من بهشت را برای شما ضامنم» (هاشمی خوئی، 1358، ص67). این شعار، برای گروه عایشه مؤثر واقع شد و وقتی دورش را گرفتند به‌قدری پیشروی کردند که در چند قدمی سپاه امام علی(ع) رسیدند. عایشه برای تحریک بیشتر سربازان خود مشتی خاک را روی یاران امام پاشید و گفت: «شاهَتِ الوجوه؛ سیاه باد رویتان»، او در این کار از پیامبر اکرم(ص) تقلید کرد زیرا آن حضرت نیز در جنگ بدر یک‌مشت خاک برداشت و به‌سوی دشمن پاشید و همین جمله را فرمود و خدا دربارة‌ او نازل کرد: «وَ ما رمیتَ إذ رَمَیتَ وَ لکنَّ اللهَ رَمی؛ یعنی و [اى پیامبر] این تو نبودى که [خاک و سنگ به صورت آنها] انداختى بلکه خدا انداخت!» (انفال/17). با مشاهده این عمل از عایشه یکی از اصحاب امام علی(ع) بلافاصله گفت: «وَ ما رَمیتِ إذ رمیت و لکنَّ الشیطانَ رمی؛ یعنی در مورد تو دست شیطان از آستینت آشکار گشت» (طباطبایی مجد، 1374، ص434).

##### 2-6.آگاهی و بصیرت‌بخشی

با توجه به آنچه از سیرة‌ امام علی(ع) به دست می‌آید، بی‌تردید یکی از شیوه‌های مهم مقابله امام با عملیات روانی، بصیرت است. از آنجا که بصیرت را به معنای بینایی، دانایی، هوشیاری چشم دل و عقل تعریف کرده‌اند (دهخدا، 1335، ص98)، بنابراین یکی از لوازم اصلی هدایت و رشد در اصول جنگ نرم علی(ع)، بصیرت بود، به‌خصوص در دوران خلافت ایشان که ابرهای ضخیم فتنه و ابهام مانع بینایی دل و بصیرت افراد در برخورداری از تابش آفتاب حقیقت بود. ایشان هوشیارانه توطئه‌ها را می‌فهمید و به فرمانداران و مردم هشدار می‌داد. از آن جمله، نامة حضرت به فرماندار مکه "قثم بن عباس" در سال 39 هجری بود که عوامل معاویه قصد توطئه در شهر مکه را داشتند.

در منطق امام علی(ع)، بصیرت، ابزار شناخت و سلاحی مطمئن است که با تجهیز به آن می‌توان در جبهة‌ حق قرار گرفت و زیر پرچم هدایت جهاد کرد، آنجا که می‌فرماید: «أصابَ سَبیلَ السَّلامَةِ بِبَصَرِ مَن بَصَّرَهُ؛ به مسیر هدایت و سلامت فکر، کسی راه می‌یابد که دارای بصیرت است» (نهج‌البلاغه، خطبه 214). امام، عبرت‌گیری و پندآموزی از وقایع را یکی از شروط وصول به بصیرت دانسته و شرط فهم و درک عمیق از شرایط جامعه، حضور و پایداری و پایمردی در فتنه‌ها و جنگ‌های پر از شبهه و آشکار را داشتن بصیرت می‌دانند. آنجا که می‌فرماید: «و لا یَحمِلُ هَذَا العَلَمَ إلّا أَهلُ البَصَرِ و الصَّبرِ؛ کسی نمی‌تواند این پرچم را تحمل نماید، مگر اهل بصیرت و صبر» (نهج‌البلاغه، خطبه 173). اهمیت بصیرت نزد امام علی(ع) به حدی است که معتقدند جنگ و ابزارها و سلاح‌های آن باید در جهت و تحت نظر هوی و هوس‌ها نبوده، بلکه زیر فرمان بصیرت افراد به تحریک در آید. «لا تُحَرِّکُوا بِاَیدِیکُم و سُیُوفِکُم فِی هَوَی اَلسِنَتِکُم؛ دست‌های قدرت و شمشیرهای خویش را زیر فرمان هوای خویش نگیرید» (نهج‌البلاغه، خطبه 190) و در وصف متقین می‌فرماید: «حَمَلُوا بَصَائرَهُم عَلَی أسیافِهِم؛ بصیرت‌هایشان بر شمشیرهایشان حاکم است» (نهج‌البلاغه، خطبه 50). امام علی(ع) با ذکر این نکته‌ «و إنَّ معی لَبصیرتی؛ بصیرتم همراه من است» (ابن‌ابی‌الحدید، 1337، ص239) وارونه کردن حق نتوانسته ایشان را به شک و تردید و انحراف بکشاند، بر وصول به بصیرت و کسب آن به‌ویژه در جنگ‌ها به یاوران و اصحاب خویش تأکید می‌کند، چنان‌که در اوایل جنگ صفین بود که امام علی(ع) به یاران خود فرمودند: «ای مردم این‌جایی است که هر کس شک و تردیدی در حقانیت نبرد به خود راه دهد در حقانیت روز قیامت تردید کرده و هر کس در آن ماند در روز قیامت درمانده است» (منقری، 1370، ص218).

تعدد و تنوع فرمایشات، رفتار و تأکیدات امام را یکی از اصول و شیوه‌های مؤثر در مقابله با عملیات روانی آن هم در دوران جنگ دانسته‌اند. امام علی(ع) هر کس یا گروهی را که واقعاً متحیر شده بود و به دنبال حقیقت و کشف بصیرت بود تشویق و راهنمایی می‌فرمود، چنانکه عبدالله بن مسعود و همراهانش در جنگ صفین به نزد امام آمدند و به او گفتند: «ما با تو رهسپار می‌شویم ولی در لشکر شما فرود نمی‌آییم و خود اردوگاهی جدا می‌زنیم تا در کار شما و شامیان بنگریم، هرگاه دیدیم یکی از دو طرف به کاری که بر او حلال نیست دست زد یا گردن‌کشی و ظلمی از او سر زد ما بر ضد او وارد پیکار می‌شویم». امام علی(ع) فرمود: «آفرین خوش‌آمدید. این به کار بردن بصیرت در دین و به کار بستن دانش در سنت است و هر کس به چنین پیشنهادی راضی نشود بی‌گمان خائن و ستمگر است» (منقری، 1370، ص162). موارد یادشده بیان‌گر آن است که امام علی(ع) بر ضرورت بصیرت به‌عنوان یکی از اصول عملیات روانی خویش به‌ویژه در آن شرایط پر از فتنه و ابهام اصرار و تأکید می‌ورزند، چرا که اگر افراد یا قبایلی بدون در اختیار داشتن این سلاح به میدان آیند، دیر یا زود طعمة‌ فریب‌ها و نیرنگ‌ها و به‌طورکلی عملیات روانی دشمن شده و نه‌تنها از جبهة‌ حق خارج می‌شوند، بلکه به‌احتمال علیه جبهة‌ حق خواهند جنگید که هر سه جنگ جمل، صفین و نهروان، محصول همین نداشتن بصیرت در آحاد جامعه و بهره‌برداری کامل دشمن از آن به نفع خود است. امام علی(ع) این بصیرت را نیز در یاران خود و اصحاب بزرگش ایجاد کرده بود، چنانکه مالک اشتر سردار سپاه امام می‌گوید: «اگر چه ما رسول خدا را درک نکردیم ولی برخلاف صحابه‌ای که او را درک کردند و بعد اعمال جاهلانه انجام دادند، ما اهل بصیرتیم» (جرداق، 1388، ص163).

‏**3-6. ‏ایراد خطبه و سخنرانی‏**

در بسیاری از جنگ‌های صدر اسلام، سخنرانی و گفت‌وگو پیش از آغاز جنگ امری ضروری به ‏شمار می‌آمد. در فقه سیاسی اسلام جنگ با کفار و بغات را جایز نمی‌دانند مگر پس از دعوت به ‏محاسن اسلام و اقامه دلیل بر آنان (اشراق، 1360، ص ‏‏325).

سخنرانی افزون‌بر آنکه موجب تقویت روحیه و اراده نیروهای خودی می‌شود تأثیر زیادی ‏در تضعیف و تخریب روحیه نیروهای دشمن دارد و باعث فرار آنان از صحنه کارزار یا ‏پیوستن به نیروهای اسلام می‌شود. امام علی(ع) با همه گروه‌های مخالف خود به ‏گفت‌وگو می‌پرداخت و با بردباری و فروتنی دلایل آنان را می‌شنید. در روزهای آغاز خلافت با برخی ‏از کسانی که از بیعت با وی خودداری می‌کردند گفت‌وگو کرد. اما آنان منطق روشن امام را با ‏سخنانی این‌چنین پاسخ ‌گفتند: ‏«‏به من شمشیری بده که کافر را از مؤمن بشناسد، چون اگر با ‏تو بیعت کنم می‌ترسم مؤمنی را بکشم و به آتش دوزخ بسوزم‏»‏ (منقری، 1370، ص551).‏

امیرالمؤمنین(ع) با طلحه و زبیر بارها گفت‌وگو کرد و برای هدایت آنان از هیچ کوششی دریغ ‏نورزید به‌گونه‌ای که حتی به آنان پیشنهاد کرد، بخشی از دارایی شخصی‌اش را از آن حضرت ‏قبول کنند و از زیاده‌خواهی و تصرف در اموال عمومی درگذرند. اما آنان همچنان بر خواسته ‏خود پای می‌فشردند و سهم بیشتری را از بیت‌المال می‌خواستند (مفید، 1380، ص164). طلحه و زبیر عدالت امام را تاب ‏نیاوردند و سپاهی عظیم برای مبارزه با آن حضرت آماده کردند اما امام همچون گذشته به ‏روشنگری ادامه داد و با فرستادن نامه‌ها و سفیران خود از آنان خواست که دست از هوای نفس ‏بردارند و به عهد و پیمان خویش بازگردند (الاربلی، 1405، ج1، ص324). در گیر و دار جنگ جمل نیز امام علی(ع) از ‏ارشاد و راهنمایی دشمنان خویش دست نکشید و سرانجام با یادآوری حدیثی از رسول خدا، زبیر ‏را از ادامه جنگ منصرف کرد (مسعودی، 1365، ج2، ص 371).‏

امام علی(ع) در برخورد با معاویه نیز همین شیوه را در پیش گرفت و در چندین ‏نامه فضایل خویش را برشمرد و معاویه را به تقوای الهی و پرهیز از دنیاطلبی فراخواند و از دنبال ‏کردن چیزی که شایستگی آن را ندارد برحذر داشت. معاویه در برابر منطق روشن و استوار امام به ‏رجزخوانی پرداخت و برای تحقیر جایگاه امام، از هیچ تلاشی خودداری نکرد (ابن ابی‌الحدید، 337 ، ج16، ص136). گستاخی معاویه در این نامه‌ها به جایی رسیده بود که ابن ابی‌الحدید آرزو می‌کند کاش کار امام بدانجا نمی‌کشید که معاویه خود را هم‌سان او بپندارد و چنین ‏وقیحانه نامه بنویسد. اما امام علی(ع) که جز به خشنودی خداوند نمی‌اندیشید، یاوه‌گویی معاویه را با ‏موعظه‌های حکیمانه پاسخ می‌گوید و حتی تا اندکی پیش از آغاز نبرد نیز از ارشاد و هدایت ‏معاویه ناامید نمی‌شود‏ (منقری، 1370، ص178).‏ امام ‏علی(ع) با خوارج نیز بارها گفت‌وگو کرد و همه همت خود را برای به راه آوردن آنها ‏به کار گرفت. گاه کسانی چون عبدالله‌بن‌عباس و براء‌بن‌عازب را به سوی آنان می‌فرستاد و گاه ‏خود با آنها سخن می‌گفت (بیهقی، 1361، ج8 ، ص19). چنانکه درباره شعار اصلی خوارج "لا حکم الا الله" ‏فرمود: «سخن‎ ‎حقّى‎ ‎است،‎ ‎كه‎ ‎از‎ ‎آن‎ ‎اراده‎ ‎باطل‎ ‎شد‎ ‎آرى‎ ‎درست‎ ‎است،‎ ‎فرمانى‎ ‎جز‎ ‎فرمان‎ ‎خدا‎ ‎نيست،‎ ‎ولى‎ ‎اينها‎ ‎مى‌گويند‎ ‎زمامدارى جز‎ ‎براى‎ ‎خدا‎ ‎نيست،‎ ‎در‎ ‎حالى‎ ‎كه‎ ‎مردم‎ ‎به‎ ‎زمامدارى‎ ‎نيك‎ ‎يا‎ ‎بد،‎ ‎نيازمندند،‎ تا‎ ‎مؤمنان‎ ‎در‎ ‎سايه‎ ‎حكومتش،‎ ‎به‎ ‎كار‎ ‎خود‎ ‎مشغول‎ ‎و كافران‎ ‎هم‎ ‎بهرمند‎ ‎شوند» (نهج‌البلاغه، خطبه 40). امام علی(ع) در سخنان خود ضمن تشریح ماجرای ‏حکمیت و خطای خوارج در این مسئله از آنان خواست که از تفرقه و جدایی بپرهیزند، زیرا آنکه ‏از جمع مسلمانان به یک سو شود بهره شیطان است، چنانکه گوسفندی که از گله دور بماند ‏نصیب گرگ است (نهج‌البلاغه، خطبه 127). این سخنان سرانجام بر گروهی از خوارج اثر کرد و ‏آنها را به کناره‌گیری از جماعت نهروان واداشت (البلاذری، 1337، ج2، ص353).‏

وقتی که خبر حمله سفیان غامدی به شهر انبار و کشتن حسان بن حسان بکری و ‏همراهان او و غارت اموال آن شهر به امام رسید، ایشان به دلیل بیماری قادر به سخن گفتن نبود، ‏بنابراین سخنانش را نوشت و به سعد، غلام خود داد تا برای مردم بخواند به‌گونه‌ای که امام هم ‏صدای او را بشنود. ایشان در این نوشته فرمودند: «جهاد‎ ‎در‎ ‎راه‎ ‎خدا،‎ ‎درى‎ ‎از‎ ‎درهاى‎ ‎بهشت‎ ‎است‎ ‎كه‎ ‎خدا‎ ‎آن‎ ‎را‎ ‎به‎ ‎روى‎ ‎دوستان‎ ‎مخصوص‎ ‎خود‎ ‎گشوده است. جهاد،‎ ‎لباس‎ ‎تقوا،‎ ‎و‎ ‎زره‎ ‎محكم،‎ ‎و‎ ‎سپر‎ ‎مطمئن‎ ‎خداوند‎ ‎است.‏‎ ‎كسى‎ ‎كه‎ ‎جهاد‎ ‎را‎ ‎ناخوشايند‎ ‎دانسته‎ ‎و‎ ‎ترك‎ ‎كند،‎ ‎خدا لباس‎ ‎ذلّت‎ ‎و‎ ‎خوارى‎ ‎بر‎ ‎او ‎مى‌پوشاند‎ ‎و‎ ‎دچار‎ ‎بلا‎ ‎و‎ ‎مصيبت‎ ‎مى‌شود‎ ‎و‎ ‎كوچك‎ ‎و‎ ‎ذليل‎ ‎مى‌گردد.‏‎ ‎دل‎ ‎او‎ ‎در‎ ‎پرده‎ ‎گمراهى‎ ‎مانده‎ ‎و‎ ‎حق از‎ ‎او‎ ‎روى‎ ‎مى‌گرداند.‏‎ ‎به‎ ‎جهت‎ ‎ترك‎ ‎جهاد،‎ ‎به‎ ‎خوارى‎ ‎محكوم‎ ‎و‎ ‎از‎ ‎عدالت‎ ‎محروم‎ ‎است» (نهج‌البلاغه، خطبه 27). پس از آنکه این خطبه تکان‌دهنده قرائت شد، ‏عده‌ای بیش از این سکوت را برای خود عار و ننگ دانسته، اعلام آمادگی کردند (دینوری، 1380، ص258). بنابراین سخنرانی‌ها و خطبه‌های امام علی(ع) در باب ترغیب به جهاد، مقاومت و ایستادگی در میدان جنگ و ثابت‌قدمی مسلمانان برای ‏یاری اسلام، نمونه روشنی از تأثیر خطبه و سخنرانی بر روحیه و اراده افراد است. خطبه‌های ‏مهیِّج و سخنان پرشور فرماندهان و افراد مؤثر در لشکر، آنچنان روحیه نیروهای خودی را تقویت ‏می‌کند که توان آنان را به‌طور چشمگیری افزایش می‌دهد.‏

# 7. نتیجه‌گیری

حکومت علوی به خاطر شیوة عدالت‌محور، همواره مورد هجمة دشمن بوده است. دشمن هرگاه در جنگ نظامی، خود را با شکست مواجه می‌دید به عملیات روانی متوسل می‌شد و با فریب و نیرنگ، تخدیر و تطمیع، یاران امام را از گرد ایشان پراکنده می‌کرد. حضرت با تشجیع یاران و بصیرت‌بخشی به آنان، افشاگری و ارعاب دشمن این ترفندها را خنثی نموده و دشمن را از پیروزی ناامید می‌کرد.

مهم‌ترین تاکتیک‌های عملیات روانی دشمنان علیه سپاهیان حضرت علی(ع)‌ عبارت بود از: فریب، تخدیر، تطمیع و تمسخر. در مقابل حضرت علی(ع) در مواجهه با دشمنان از روش‌هایی همچون افشاگری، ارعاب دشمن، قدرت‌نمایی و تظاهر به قوی بودن، بهره‌گیری از مکر و حیله در برابر مکر دشمنان، بهره‌گیری از عوامل استخباراتی و جاسوسان، و تمسک به ‏ایمان و قدرت عقیده، بهره‌ می‌بردند. همچنین حضرت در تقابل با عملیات روانی دشمن راهکارهایی را برای اقناع یاران به کار برده‌اند که عبارتند از: تشجیع و تحریک، آگاهی و بصیرت‌بخشی، ایراد خطبه و سخنرانی‏.

عصر حاضر نیز تکرار تاریخ است و دشمن ما همچون معاویه، زیرکانه برای جنگ نرم برنامه‌ریزی می‌کند و با تمام توان و هستی خویش، دین و فرهنگ غنی ما را مورد حمله قرار داده است. برای مقابله و پیروزی بر این ترفندها، شناخت شگردهای دشمن در عملیات روانی ضروری است، چرا که تخریب عملیات روانی بسیار بیشتر از جنگ سخت است. در جنگ نظامی حداکثر خسارت وارده باعث از بین رفتن جان یک نفر می‌باشد، ولی در عملیات روانی آسیب به هر شخص می‌تواند صدها نفر را بی‌آنکه احساس خطر کنند در دام مرگ حقیقی اندازد و همه دین و فرهنگ و اصالتش را در معرض خطر قرار دهد.

مولای متقیان علی(ع) بهترین راهکارها در این زمینه را ارائه فرمودند. در نظام جمهوری اسلامی مسئولین امنیتی، انتظامی و سیاسی می‌توانند با بهره‌گیری از راهکارهای امام علی(ع) در عملیات روانی ترفندهای دشمن را شناسایی کرده، خنثی نمایند یا از درصد تخریبش بکاهند و این، یک اصل ضروری در جامعة ماست چراکه دشمن با تمام توانش در جبهة فرهنگی حاضر شده و تنها یک حریف ورزیده می‌تواند در مقابلش مقاومت کند و از همه مهم‌تر اینکه برای هر گروهی برنامه‌ای ویژه دارد و هیچ‌کس از شر دشمن در امان نیست.

# منابع

- **قرآن کریم**، (محمدمهدی فولادوند، مترجم).

- امام علی‌بن‌ابی‌طالب**(ع)؛ نهج‌البلاغه**؛ نسخة صبحی صالح، (محمد دشتی، مترجم).

- ابن ابی‌الحدید، ابوحامد (1337)؛ **شرح نهج‌البلاغه ابن ابی‌الحدید؛** چاپ اول، قم: نشر کتابخانه عمومی آیت‌الله مرعشی نجفی.

- ابن‌حجر العسقلانی، احمد (1328ه.ق)؛ **الاصابه فی تمیز الصحابه؛** چاپ اول، لبنان: دار احیاء‌التراث العربی.

- ابن‌منظور، محمد بن مکرم (1414ه.ق)؛ **لسان‌العرب؛** بیروت: لبنان، دار صادر، چاپ سوم.

- النمل، کراع (1442ه.ق)؛ **المنجد فی اللغه**؛ چاپ دوم، دمشق: دارالمشرق.

- الاربلی، ابن‌ابی‌الفتح (‏1405ه.ق)؛ کشف الغمه؛ چاپ دوم، لبنان: دارالضواء.

- امینی، محمدهادی (1359)؛ **ترجمه اعلام نهج‌البلاغه**؛ چاپ اول، تهران: بنیاد نهج‌البلاغه.

- اشراق، محمدکریم (‏1360)؛ مقررات جنگ در صدر اسلام؛ چاپ اول، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.‏

- بیانات مقام معظم رهبری، مدظله‌العالی، در اجتماع بزرگ نیروی مقاومت بسیج مردمی به مناسبت سالروز تشکیل بسیج، 5 آبان 1376.

- بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین (‏1361ه.ش)؛ دلائل النبوه؛ ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: انتشارات ‏علمی و ‏فرهنگی.‏

- بلاذری، احمد بن یحیی (‏1337ه.ش)؛ فتوح البلدان؛ چاپ ‏اول، ترجمه محمد توکل، تهران: نشر نقره.

- بخاری، محمدبن‌حسین (1343ه.ق)؛ **جامع الصحیح**؛ مصر: دارالکتب المصریه.

- جرداق، جرج (1388)؛ **امام علی(ع) صدای عدالت انسانی؛** ترجمه: سید هادی خسروشاهی، چاپ دوازدهم، قم: مؤسسه انتشارات امام عصر(عج).

- جوانی، احمد (1382)؛ **جنگ روانی معاویه علیه امام علی(ع)؛** چاپ اول، تهران: مجموعه مقالات اولین همایش نشر دانشگاه امام حسین(ع).

- خرمشاهی، بهاءالدین (1376)؛ **پیام پیامبر؛** چاپ اول، تهران: نشر منفرد.

- دهخدا، علی‌اکبر (1335)؛ **لغت‌نامه**؛ چاپ اول، تهران: بی‌نا.

- دینوری، ابوحنیفه احمد بن داود (1371)؛ **اخبار الطوال؛** ترجمه محمود مهدوی دامغانی، چاپ چهارم، تهران: نشر نی.

- دینوری، عبدالله‌بن‌مسلم (‏1380)؛ الاممه و السیاسه؛ ترجمه سید ناصر طباطبایی، چاپ اول، تهران: نشر ققنوس.

- ذوالفقاری، مهدی (1391)؛ اصول و مبانی عملیات روانی؛ چاپ اول، تهران: نشردانشگاه امام حسین(ع).

- رضوی‌پور، سیدغفار و سیدعلی (1389)؛ بصیرت و عصر جنگ نرم؛ چاپ اول، تهران: ‏نشر زرینه.

- سبحانی، جعفر (1374)؛ **فروغ ولایت**؛ چاپ چهارم، بی‌جا: انتشارات صحیفه.

- سیدرضی (1378)؛ **تنبه الغافلین و تذکره العارفین**؛ ترجمه ملا فتح‌الله کاشانی؛ چاپ اول، تهران: انتشارات پیام حق.

- سعیدی‌مهر، محمد (‏1375)؛ رویکرد اخلاقی در رسانه‌ها؛ تهران: نشر مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.

- شیرازی، محمد (1380)؛ **جنگ نرم و تبلیغات، مفاهیم و کارکردها؛** چاپ دوم، تهران: نشر دبیرخانه نخستین همایش بررسی نقش تبلیغات در جنگ.

- طباطبایی مجد، غلامرضا (بی‌تا)؛ **ترجمه الفتوح ابن علی اعثم کوفی**؛ ترجمه محمد بن احمد مستوفی هروی؛ بی‌جا.

- عمید زنجانی، عباس علی (1366)؛ **جهاد از دیدگاه امام علی(ع) در نهج‌البلاغه**؛ چاپ دوم، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

- کمالی، شیرین، روزنامه کیهان، ش21726، 28 شهریور 1396، ص8.

- مدیریت مطالعات و برنامه‌ریزی آموزشی (1373)؛ **جنگ نرم؛** چاپ اول، تهران: نشر دانشگاه جامع امام‌حسین(ع).

- مسعودی، علی‌بن‌حسین (1365)؛ **مروج الذهب؛ ترجمه** ابوالقاسم پاینده؛ چاپ سوم، بی‌جا: انتشارات علمی و فرهنگی.

- مفید، محمد بن محمد (1364)؛ **الجمل؛** ترجمه محمود مهدوی دامغانی؛ چاپ اول، تهران: نشر نی.

- مفید، محمد بن محمد (‏1380)؛ الارشاد فی‌معرفه حجج‌الله علی‌العباد؛ ترجمه محمدباقر ساعدی ‏خراسانی، چاپ اول، تهران: ‏دارالکتب الاسلامیه.

- معین، محمد (1385‏)؛ فرهنگ فارسی معین؛ تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.

- منقری، نصر بن مزاحم (1370)؛ **پیکار صفین؛** ترجمه پرویز اتابکی، چاپ دوم، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.

- هاشمی‌نژاد، اکرم (1389)؛ قرآن کریم، بصیرت و جنگ نرم: نظام قرآنی و مقابله با تهدیدات جنگ نرم؛ مجله کوثر، ش36، صص115- 84.

- هدایتی شهیدانی، مهدی (تابستان و پاییز 1389)؛ جنگ نرم و رویارویی انقلاب اسلامی با رویکردهای ستیزه‌جویانه غرب علیه ایران؛ فصلنامه پانزده خرداد، 3، 24 و 25، صص164- 145.

- یاسینی، سوید (‏1378)؛ اصول و مبانی هنر جنگ در اسلام؛ ترجمه اصغر قائدان، چاپ اول، ‏تهران: نشر دانشگاه ‏امام حسین(ع).

1. استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه یزد a.ghafoori@yazd.ac.ir [↑](#footnote-ref-1)
2. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه یزد yjn225337@gmail.com [↑](#footnote-ref-2)